

توصیف و تحلیل ساختار و عناصر معماری دسکره گوریه، ایلام

لیلا خسروی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2019.17319.1812

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶

نوع مقاله: پژوهشی؛ صص: ۱۷۳-۱۹۸

چکیده

۱. استادیار گروه تاریخی، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و صنایع دستی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
l.khosravi1357@gmail.com

«گوریه» یکی از بناهای اعیانی ساسانی در غرب ایران است که به دلیل قرارگیری در مخزن سد کنگیر ایوان در استان ایلام، کاوش آن انجام شد. عدم وجود راه‌های ارتباطی و محدود شدن محققین به معدود آثار کاوش شده در گذشته، علت ناشناخته بودن بسیاری از آثار ارزنده معماری در این ناحیه است. با کاوش در بنای گوریه، پلان یک بنای مستطیل شکل به مساحت ۸۲۵ مترمربع، متشکل از تعدادی اتاق با حیاط و فضای داخلی نمایان شد که پس از آزادسازی کامل نیمه جنوبی، جمعاً ۱۰ فضا از دل خاک بیرون آمد. معماران و سازندگان بنا با آگاهی کامل از امکانات و عناصر معماری موجود و براساس نقشه و الگوی از پیش طراحی شده اقدام به ساخت آن نموده‌اند. مصالح بنا از لاشه سنگ و ملات گچ نیم‌پخته نیم‌کوب است و سبک معماری و تزئینات وابسته به معماری در آن متأثر از هنر رایج دوره ساسانی با هویت مستقل محلی خود است. شیوه ساخت، علل شکل‌گیری، افول و کاربری احتمالی این بنا چه بوده؟ شاخصه‌ها، تزئینات معماری، مواد و مصالح به کار رفته و متغیرهای تأثیرگذار بر سبک معماری آن چگونه بوده است؟ این پژوهش دارای ماهیت توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای (متون تاریخی) و میدانی (کاوش) انجام شده است. طبق یافته‌ها، این بنا می‌تواند در میان انواع کاخ‌های این دوره به عنوان یک دسکره با کارکرد تشریفاتی/مسکونی مطرح باشد. براساس آثار و شواهد باستان‌شناسی به دست آمده، استقرار در بنا از دوره ساسانی شروع و تا قرون نخستین اسلامی به طور متناوب ادامه داشته است. با کاوش در بنای گوریه نتایج مهمی در مورد درک نسبی از تکنیک‌های معماری محلی و فرآیند فرهنگی جوامع مرفه ساسانی در این حوزه فرهنگی حاصل شد.

کلیدواژگان: معماری، ساسانی، گوریه، ایلام.

مقدمه

در پی قرارگیری بنای گوریه در تراز ۱۰۲۲/۵ سد کنگیر روی رودخانه مرزی کنگیر ایوان در شمال استان ایلام که زمستان ۱۳۹۴ ه.ش. آبگیری شد، کاوش اضطراری در آن انجام گردید. بی‌شک زیرساخت‌های طبیعی و زیست‌محیطی هم‌چون: موقعیت ویژه این منطقه در زاگرس مرکزی، وجود رودخانه کنگیر، واقع شدن بر سر یکی از راه‌های باستانی به بین‌النهرین و غیره می‌تواند از پارامترهای مؤثر در برپایی و شکل‌گیری این بنا باشد. سازه‌های معماری فراوانی با مصالح لاشه‌سنگ و ملات گچ مربوط به دوره ساسانی در این ناحیه از غرب ایران باقی‌مانده است. عدم شناخت ما دربارهٔ احداث و عرصه‌های سکونت این نوع سازه‌ها، تاریخ ساخت آن‌ها و پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و خلأهای مطالعاتی مربوط به دوران انتقال ساسانی به اسلامی از اهداف و مسائل قابل توجه این پژوهش بود. فقدان کاوش‌های گسترده، وجود تنوع زیستی و سنت‌های متفاوت، فهم معماری مسکونی در این دوره را دشوار می‌سازد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۸) که علاوه بر معماری مسکونی، متأسفانه تاکنون شناخت کاملی نیز از بناهای اعیانی و انواع کاخ‌های کوچک‌تر با کارکردهای گوناگون در این دوره تاریخی نداریم.

پرسش‌های پژوهش: این سازه معماری متعلق به چه دوره‌ای بوده و دلایل ساخت و افول حیات در آن چیست؟ شاخصه‌های معماری و مواد و مصالح مورد استفاده در شاکله آن چیست؟ اقلیم چه تأثیری در چیدمان فضاهای معماری آن داشته و سازندگان آن تحت تأثیر کدام سبک‌های هنری بودند و کاربری آن چه بوده است؟

روش پژوهش: این پژوهش دارای ماهیت توصیفی-تحلیلی بوده که بر جدیدترین اطلاعات حاصل از کاوش باستان‌شناسی در یک بنای اعیانی ساسانی استوار است و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای (متون تاریخی) و میدانی (کاوش) به توصیف و تشریح فضاها و عناصر معماری بنا، تعیین کاربری، برآورد مساحت و تحلیل مقایسه‌ای یافته‌ها پرداخته شده و ویژگی‌های آن‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

«لویی واندنبرگ» در سال ۱۹۷۰ م. با کاوش در گورستان‌های جوب‌گوهر، بان‌کبود (پلیه ۱ و ۲) و آتشکدهٔ سیاهگل، نخستین مطالعات باستان‌شناسی در این منطقه را رقم زد (VandenBerghe, 1971; 1973; 1980). پس از وی، «فریا استارک» از آثار اطراف رودخانه کنگیر دیدن کرد و از آنجا راهی عراق شد (استارک، ۱۳۵۸). سپس در سال ۱۳۸۰ ه.ش. «بیان پیرانی» به بررسی منطقه پرداخت و بنای گوریه را شناسایی نمود که در سال ۱۳۸۲ ه.ش. گوریه با شماره ۸۴۶۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید (پیرانی، ۱۳۸۰). در سال ۱۳۸۶ ه.ش. «ابراهیم مرادی» بررسی حوضه آبگیر سد کنگیر را انجام داد (مرادی، ۱۳۸۶) و سرانجام در سال ۱۳۹۴ ه.ش. کاوش در بنای گوریه به نگارنده واگذار شد. درخصوص پیشینه مطالعات یافته‌های

معماری و تزئینات وابسته به معماری (گچ‌بری‌های) به دست آمده نیز برخی از کاوشگران نویافته‌های معماری در خانه اربابی دره شهر (لک‌پور، ۱۳۸۹)، قلاگوری رماوند (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۵)، لار (مترجم، ۱۳۹۵)، بنای روئه (نیاکان، ۱۳۹۸) و چمروته (شریفی، ۱۳۹۸) را منتشر کردند. پژوهشگران دیگری، به مقایسه گچ‌بری‌های دره شهر با گچ‌بری‌های دوران اسلامی (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴)، (مبینی و همکاران، ۱۳۹۷؛ شریفی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۸) پرداختند که البته برخی از آنان یافته‌های معماری و گچ‌بری‌ها را صرفاً به دوران اسلامی منتسب کردند که با کاوش‌های اخیر بر ما اثبات گردید که ساخت و شروع استقرار در این بناها مربوط به دوره ساسانی است که در دوران اسلامی نیز مورداستفاده مجدد قرار گرفتند؛ بنابراین، مطالعات قبلی انجام شده در این حوزه فرهنگی نیازمند بازنگری است و ضرورت دارد که نمونه‌های ساسانی و اسلامی آن‌ها از یکدیگر تفکیک گردد.

موقعیت جغرافیایی بنای گوریه^۱

گوریه در طول جغرافیایی ۶۰۵۳۸۰ و عرض ۳۷۵۲۲۱۰ (UTM) با ارتفاع ۱۰۲۹ متر در ۶۵ کیلومتری شمال غرب ایلام، بخش زرنه شهرستان ایوان و در فاصله حدود ۸۰۰ متری جنوب و جنوب غرب روستای سرتنگ سفلی قرار داشت. رودخانه مرزی کنگیر^۲ در فاصله حدود ۱۹۰ متری شمال و شمال غربی آن در جریان بود (شکل ۱). کنگیر که از موقعیت استراتژیک قابل توجهی در منطقه برخوردار است، از سراب ماهی‌بازان سرچشمه گرفته و پس از گذشتن از دشت ایوان و مشروب کردن زمین‌های آن به طرف سومار رفته و از آنجا به عراق می‌ریزد (صفاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵). استان ایلام در دوره ساسانی به دو بخش شمالی ماسبدان به مرکزیت سیروان و جنوبی مهرجان قذق به مرکزیت سیمره تقسیم شده بود. در متون تاریخی به سه شهر: سیروان، آریوحان و الرذ از توابع ایالت ماسبدان اشاره گردیده و «راولینسون» معتقد است که «آریوحان» همان زرنه امروزی بوده که تا قرن ۱۳ م. به این نام شهرت داشته است (راولینسون، ۱۳۶۲: ۴۳). نام این شهر به اشکال مختلف «آدیوجان»، «آریوحان» و «آریوجان» در متون آمده است که دو نشانه از آریوحان^۳ در دست است؛ شهری که آتشفشان از فاصله دور در آن دیده می‌شود و آب رودخانه شهر به بندنجین (مندلی) سرازیر می‌شود (قوچانی، ۱۳۷۳: ۵۱ و ۵۲) و با این اوصاف -کنگیر- تنها رودخانه منطقه است که پس از عبور از زمین‌های سومار به مندلی عراق می‌ریزد. در دوره ساسانی و آغاز اسلامی، به‌ویژه در زمان خلفای عباسی، ایالت ماسبدان که «ماه کوفه» نامیده می‌شد، محل تفریح و شکارگاه برخی از آن‌ها بوده است (مظاهری، ۱۳۸۹: ۴۵). اما از قرون ۳ و ۴ ه.ق. به بعد، این منطقه خالی از سکنه می‌شود و به نظر می‌رسد، علت این امر وقوع زلزله در منطقه باشد (کامبخش فرد، ۱۳۶۸: ۶۲). اکنون با توجه به شرح فوق در متون تاریخی، بنای گوریه در بخشی از ایالت ماسبدان به نام «آریوحان» در حوزه شمالی استان ایلام کنونی قرار می‌گرفته است.



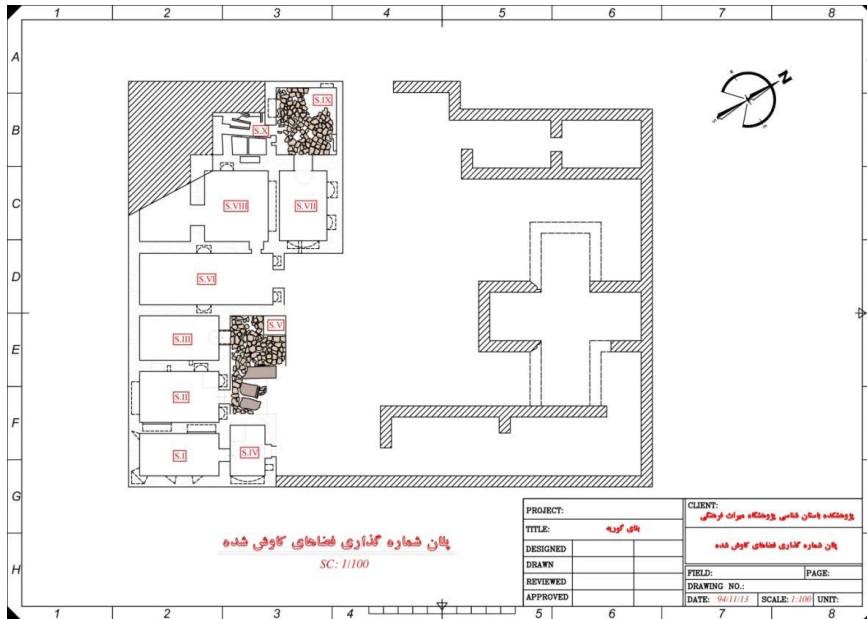
یافته‌های معماری

پس از برداشت توپوگرافی، بررسی پیمایشی فشرده و مستندسازی محوطه، در ابتدا شیوه کاوش افقی هندسی به صورت حفرکارگاه‌های ۱۰×۱۰ متر را برای گوریه انتخاب گردید. با توجه به هشدار مسئولین سد که در صورت آبدگیری ابتدا نیمه جنوبی آن در معرض خطر قرار خواهد گرفت، کاوش از نیمه جنوبی بنا آغاز شد. ذکر این نکته ضروری است که کاوش در بنا، براساس شبکه‌های ایجاد شده توسط نقشه بردار به دلیل تداخل با یافته‌های معماری، کار را مختل می‌کند؛ بنابراین بهترین روش پی‌گردی دیوارها یا همان روش کاوش ارگانیک است که در انتهای کار می‌توان بقایای معماری به دست آمده را روی نقشه پیاده کرد. با وجود وقوع بزرگ‌ترین سیل قرن در حین کاوش، بسته شدن راه دسترسی و پیاده روی طولانی مدت هر روزه برای دسترسی به محوطه، نیمه جنوبی بنا به طور کامل کاوش شد و اگر آبدگیری سد به تعویق می‌افتاد، آزادسازی کامل بنا انجام می‌گرفت. بنای گوریه، مانند خانه‌های اعیانی مسکونی تیسفون روی یک تپه بلند صخره‌ای طبیعی (Reuther, 1977: 545) به ارتفاع ۹ متر قرار گرفته بود. در انتهای کاوش پلان یک بنای مستطیل شکل به ابعاد ۳۳×۲۵ متر و مساحت ۸۲۵ مترمربع متشکل از تعدادی اتاق با حیاط و فضای داخلی نمایان شد که پس از کاوش کامل نیمه جنوبی آن ۱۰ فضا از دل خاک بیرون آمد. معماران و سازندگان بنا با آگاهی کامل از امکانات و عناصر معماری موجود، براساس نقشه و الگوی از پیش طراحی شده، اقدام به ساخت آن نموده‌اند (شکل ۲، ۳ و ۴).

▲ شکل ۱. موقعیت جغرافیایی بنای گوریه در تصاویر ماهواره‌ای سال ۱۹۷۱ و ۲۰۱۵
<https://www.usgs.gov>
<https://www.zoom.earth> (&.)

توصیف و تحلیل ساختار و عناصر معماری فضاهای شناسایی شده در بنا
 برای ارجاع راحت و آسان به فضاهای شناسایی شده، از حرف اختصاری S (Space) استفاده شده است.

فضای (۱) S.I: یک اتاق مستطیل شکل با جهت شمالی-جنوبی به ابعاد ۵۰×۲۶۵ سانتی‌متر در نیمه جنوبی بنا نمایان شد که دارای یک درگاه ارتباطی میان فضای I و IV به عرض ۸۰ سانتی‌متر در جهت شمال است. ارتفاع کف درگاه از کف اصلی فضای I حدود ۵۰ سانتی‌متر و قطر دیوار آن بدون اندود به ۵۰



شکل ۴. پلان فضاهای کاوش شده در بنای گوریه (نگارنده، ۱۳۹۴).

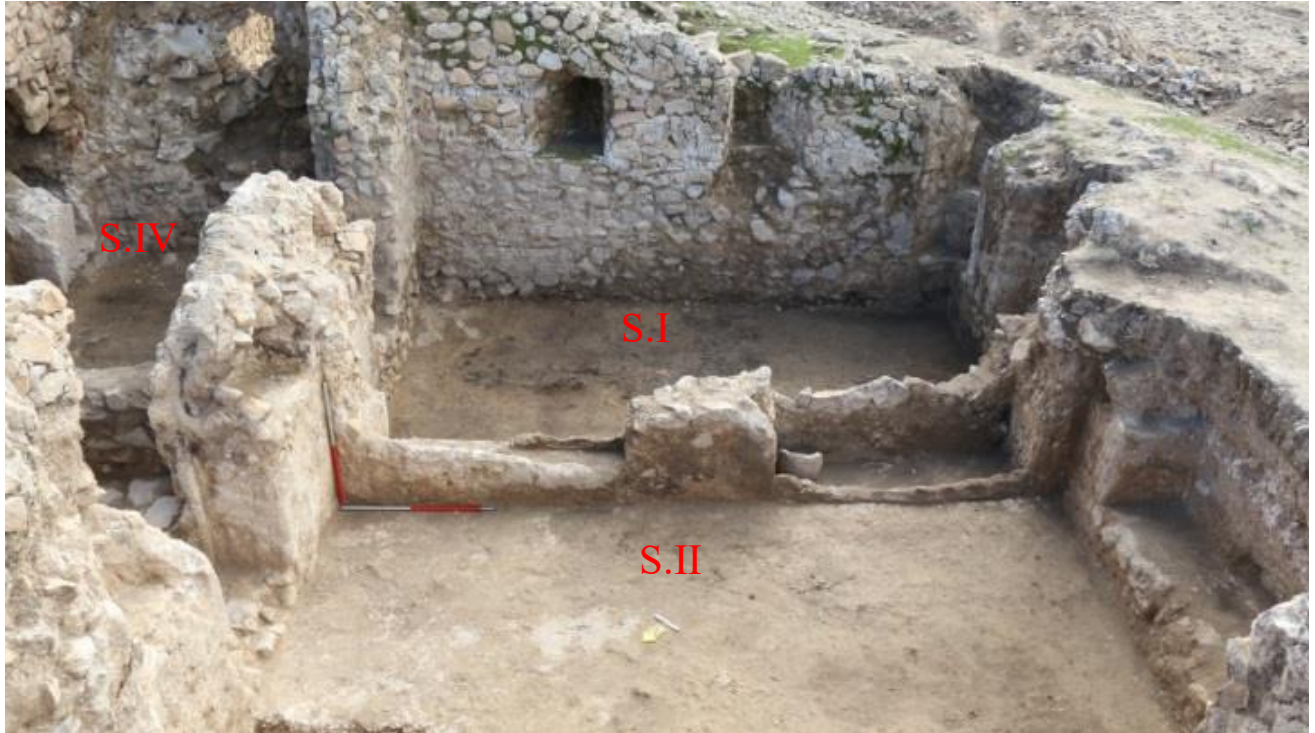
این سازه دارای اضلاع ۴۵ سانتی‌متر از هر طرف است. عدم استفاده از پنجره و ایجاد نورگیر در معماری گذشته ایران متداول بوده است. به جز این سازه مشکوک به نورگیر، در بنای گوریه پنجره یا روزنی برای ورود نور به فضاها شناسایی نشد. در دوره ساسانی که کاربرد گنبد با طاق گهواره‌ای به‌طور وسیعی معمول شده بود و یکی از ویژگی‌های معماری این دوران به‌شمار می‌رفت، برای تأمین نور درون اتاق‌ها روی گنبد، روزنه‌هایی تعبیه می‌کردند که به احتمال زیاد، نور اتاق‌های گوریه نیز از همین راه تأمین می‌شده است. در ابتدای ساخت گنبدها در دوره ساسانی و اوایل ورود اسلام به ایران، تنها از روزن‌های وسط گنبد برای ورود نور به فضا استفاده می‌شد؛ ولی با پیشرفت تکنیک‌های ساخت گنبد و ایجاد درک بهتری از نحوه توزیع نیروها و تنش‌ها در ساختار آن، معماران با ایجاد فرم‌های بهینه و یا روش‌های سازه‌ای خاص بر این مشکل تا حدی چیره شدند و توانستند از بدنه گنبد برای ایجاد نور و روزن استفاده کنند (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲). «در معماری به روزن وسط گنبد «هورنو» می‌گویند. هورنو، در واقع اسمی عمومی برای نورگیرهای سقفی است. چون در نزدیک تیزه گنبد امکان اجرای گنبد به صورت سایر قسمت‌های آن میسر نبود؛ لذا در حوالی تیزه گنبد حفره را پر نمی‌کردند. بدین ترتیب، حفره ایجاد شده در بالای طاق، کار نوررسانی را انجام می‌داد» (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۱۱۹). در معماری ایرانی کاربرد نور در تمیز دادن و راهنمایی بوده، به نحوی که به دقت از سلسله مراتب نور و تاریکی در جهت حرکت و هدایت از فضایی به فضای دیگر و در نهایت رسیدن به فضای اصلی استفاده می‌شده است (یوسفی، ۱۳۹۳: ۶).

در دیوار غربی که حفاصل بین فضای S.I و S.III است، یک طاقچه بزرگ مستطیل‌شکل گنجه‌مانند به ارتفاع ۲۰ سانتی‌متر از کف اتاق برای قراردادن وسایل روزمره و کاربردی زندگی قرار داشت. نگارنده برای طاقچه‌های عریضی که برای نگه‌داری وسایل مورد استفاده بوده، اصطلاح گمدگنجه را به کار برده است. بدون

ستون بودن و وزن سنگین ساختار قوس‌ها و طاق‌ها نقص جدی در بناهای این دوره است که برای حل این معزل در بنای گوریه دیوارهایی به ضخامت ۷۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متر ساخته‌اند که چنین ضخامتی نیز برای تحمل وزن این طاق‌های سنگین مناسب نیست؛ از این‌رو، در اکثر فضاها با ایجاد ورودی‌ها و ساخت این کمدگنجه‌ها، دیوارک‌هایی در راستای دیوارها و با ایجاد قوس‌هایی در جهت مخالف قوس طاق اصلی و در سطحی پایین‌تر از آن موجب شده تا حد زیادی وزن طاق، تقسیم و به چهار گوشه فضای اتاق که دارای پایه‌های پهن و محکم‌تری است، انتقال یابد. پهنای دیوارها در این بنا از یک استاندارد معین و مشخص پیروی می‌کند. در سمت شمال اتاق، یک درگاه ورودی به سمت فضای S.II قرار دارد. متأسفانه کف اصلی این اتاق با استقرارهای بعدی در دوران اسلامی از بین رفته بود و به جای آن لایه‌ای از زغال سوخته و خاکستر سیاه رنگ قرار داشت که روی این لایه سوخته، لایه‌ای از خاک رس قرمز رنگ مشاهده شد. تمام سفال‌های به دست آمده، از نوع سفال‌های آشپزخانه‌ای دودزده مربوط به پخت‌وپز بود (شکل ۴).

فضای (۲) S.II: یک اتاق مستطیل‌شکل با جهت شمالی-جنوبی به ابعاد ۵۰۰×۳۲۰ سانتی‌متر، در سمت غرب فضای S.I در نیمه جنوبی بنا بود که در این فضا یک کمدگنجه در نیمه جنوبی دیوار شرقی به طول ۱۹۵ و عرض ۴۵ سانتی‌متر قرار داشت که در درون آن یک هاون سنگی بزرگ برجا قرار داشت که کارکرد این نوع سازه را در بنای گوریه روشن نمود. در سمت شمال اتاق یک درگاه به عرض ۹۰ سانتی‌متر قرار داشت که توسط دو عدد پله، این فضا را به فضای S.V که در سطحی بالاتر از این اتاق قرار داشت، مرتبط می‌کرد. روی دیوار طرفین درگاه، دو طاقچه کوچک قوسی نمایان شد که در درون طاقچه شرقی یک پیه‌سوز مفرغی مربوط به فاز استقرار آغاز اسلامی به دست آمد که روی بدنه دیوار طاقچه آثار دودزدگی در اثر روشنایی آن به چشم می‌خورد. این اتاق‌های طاقچه‌دار در تاریخ معماری شرقی مورد توجه خاص بوده است. از مهم‌ترین جزئیات مشترک ساختار بناهای دوره ساسانی وجود طاقچه‌های متعدد با سبک و اشکال متفاوت در تمام بنا است. وجود طاقچه‌های فراوان در بنای گوریه کاملاً جلب توجه می‌کند (شکل ۶). این طاقچه‌ها در ابعاد و اندازه‌های مختلف در بدنه دیوارها به صورت قرینه و گاهی نیز منفرد برای قراردادن وسایل روشنایی در طرفین ورودی‌ها و در بدنه دیوارها بیشتر به شکل مستطیل جهت قراردادن وسایل زندگی روزمره تعبیه شدند. افزون بر کارکرد روزمره، این طاقچه‌ها نقش بسیار مهمی در تقسیم وزن سنگین دیوارها داشته است. در انتهای جنوبی دیوار غربی، حدفاصل بین فضاهای S.I و S.III یک طاقچه مربع‌شکل به اضلاع ۲۰ سانتی‌متر و عمق تقریباً نیم‌متر قرار داشت. این طاقچه‌های مربع‌شکل یا «گناباجه»^۴ در زبان کردی و لری به نوعی سوراخ و دریچه تعبیه شده بر بدنه دیوار برای نگه‌داری برخی از اشیاء کوچک و ریز اطلاق می‌شود. کف استقرار در این فضا به صورت سالم از جنس گچ نیم‌پخته به ضخامت ۳ سانتی‌متر ظاهر شد (شکل ۵).

فضای (۳) S.III: این فضا یک اتاق مستطیل شکل با جهت شمالی-جنوبی، به ابعاد ۴۵۰×۲۸۰ سانتی متر، در سمت غرب فضای S.II در نیمه جنوبی بنا بود. در سمت شمال اتاق یک درگاه سوراخ کلیدی این اتاق را با یک پله به فضای S.V که در سطحی بالاتر قرار داشت، مرتبط می‌کرد (شکل ۷). ارتفاع طاق تا کف درگاه فضای III حدود ۲۳۰ سانتی متر است. روی دیوار شرقی اتاق که حدفاصل بین فضای S.II



▲ شکل ۵. نمایی از فضاهای I, II, IV (نگارنده، ۱۳۹۴).

شکل ۶. انواع طاقچه‌های مختلف در بنای گوریه (نگارنده، ۱۳۹۴). ◀

و S.III است، یک طاقچه مربع‌شکل که برای نگه‌داری اشیاء کوچک قابل دسترس کاربرد داشته، به اضلاع ۲۰ سانتی‌متر و عمق تقریباً نیم‌متر قرار داشت. فضای این اتاق در گذشته به وسیلهٔ عشاير منطقه دچار تغییرات فراوانی شده بود.

فضای (۴) S.IV: یک اتاق کوچک مستطیل‌شکل با جهت شرقی-غربی، به ابعاد ۲۶۵ × ۲۲۰ سانتی‌متر در سمت شمال فضای S.II و S.III در سطحی بالاتر قرار داشت که به وسیلهٔ یک دیوارک گچی کوتاه از فضای S.V جدا می‌شد. روی دیوار شرقی به ارتفاع نیم‌متر ساختار یک کمدگنجهٔ بزرگ با قوس هلالی قرار داشت. در برخی از اتاق‌های بنای گوریه، تعدادی از این کمد دیواری‌ها پدیدار شد که تعداد و اندازهٔ آن‌ها متفاوت است. درخصوص نام‌گذاری این نوع از سازه‌ها، شایان ذکر است



► شکل ۷. نمایی از درگاه بین فضاهای V و III با طاق سوراخ کلیدی (نگارنده، ۱۳۹۴)

که در فرهنگ معین در مقابل کلمه «گنجه» واژه‌های «اشکاف»، «قفسه» و «کمد کوچک» آمده است که اصطلاح «گمدگنجه» را برای آن‌ها در نظر گرفت. در سمت شمال اتاق یک درگاه پله‌ای به عرض ۹۰ سانتی‌متر با اندود گچی سالم نمایان شد که در کنار آن یک فرورفتگی طاقچه‌مانند قرار داشت و روی پله یک هاون سنگی به دست آمد. در سمت شرق این درگاه یک سازه مجرا مانند مستطیل شکل به عرض ۳۵ سانتی‌متر قرار داشت. متأسفانه کف اصلی این اتاق به وسیله استقرارهای بعدی در دوران اسلامی از بین رفته بود و به جای آن لایه‌ای از زغال سوخته و خاکستر سیاه رنگ قرار داشت. سفالینه‌های یافت شده در این فضا همه از نوع آشپزخانه‌ای و دودزده، مخصوص پخت و پز بودند و با توجه به شباهت کف استقراری و نوع سفال‌های به دست آمده از آن با فضای S.I، می‌توان برای این دو اتاق کاربری مطبوع پیشنهاد کرد (شکل ۴).

فضای (۵) S.V: این فضا بخشی از یک تالار مستطیل شکل با جهت شرقی- غربی، به ابعاد ۶۱۵×۳۵ سانتی‌متر، در سمت غرب فضای S.IV و شمال فضاهای S.III و S.II در سطحی بالاتر نمایان شد که به وسیله یک دیوارک گچی کوتاه از فضای S.IV جدا می‌شد. این فضا به وسیله یک پله از طریق یک درگاه سوراخ کلیدی به فضای S.III و با دو پله به فضای S.II راه داشت. در سمت شمال این اتاق در زیر آوارها، بخشی از یک ستون استوانه‌ای فرورفتاده گچی مشاهده شد. هم‌چنین یک سکوی مربع شکل به طول و عرض موجود ۱۴۰×۱۲۰ سانتی‌متر و ارتفاع بین ۴۰ تا ۵۰ سانتی‌متر، در سمت شمال غرب این فضا قرار داشت که با مصالح لاشه سنگ و ملات گچ ساخته شده بود و درون آن را با لاشه سنگ‌های ریز و درشت پُر کرده و اطراف آن را با لایه‌ای از اندود گچ پوشانیده بودند. ساخت سکو در بنا و معابر یکی از ویژگی‌های معماری این دوره است. سکوسازی از عناصر معماری است که سابقه طولانی در معماری ایران دارد و این سنت در هنر معماری پارت و ساسانی تداوم می‌یابد. در بیشاپور نیز در کنار دیوار یکی از تالارهای جنبی، بقایای یک سکو به دست آمده است (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۲۹). این سکو شاید برای نشستن، قراردادن اشیاء مصرفی و یا روی آن چاله کرسی قرار داشته است. کف این اتاق برخلاف سایر اتاق‌های پدیدار شده، سنگ فرش بود. با توجه به یافته‌های معماری مکشوف، این اتاق می‌تواند یکی از مهم‌ترین بخش‌های بنا باشد؛ زیرا در میان آوارهای فروریخته، قطعات مختلف گچ‌بری با نقوش هندسی و گیاهی و هم‌چنین یک طاقچه بزرگ گچی با تزئینات طاق نماي شاخص دوره ساسانی به دست آمد. می‌توان باور کرد که این بخش، تالار شاه‌نشین بنا بوده است. این وضع هنوز هم در غرب ایران دیده می‌شود و جای معتبر در این سکونتگاه‌ها فضای پذیرایی است (گیرشمن، ۱۳۷۸: ۱۴). بیشترین آسیب وارده به گوریه در سطوح فوقانی آن بوده است. در این اتاق بخشی از آوار سقف در حین کاوش به دست آمد که با توجه به خیز طاق‌ها، پوشش سقف بنا به شکل گهواره‌ای با قوس بیضی از لاشه سنگ و ملات گچ نیم‌پخته بوده است. این شیوه پوشش سقف با طاق گهواره‌ای از دیرباز در ایران شناخته شده که اوج کاربرد آن در دوران پارت و ساسانی بوده است (شکل ۸).



► شکل ۸. بقایای طاقچه فرو ریخته در فضای V (نگارنده، ۱۳۹۴).

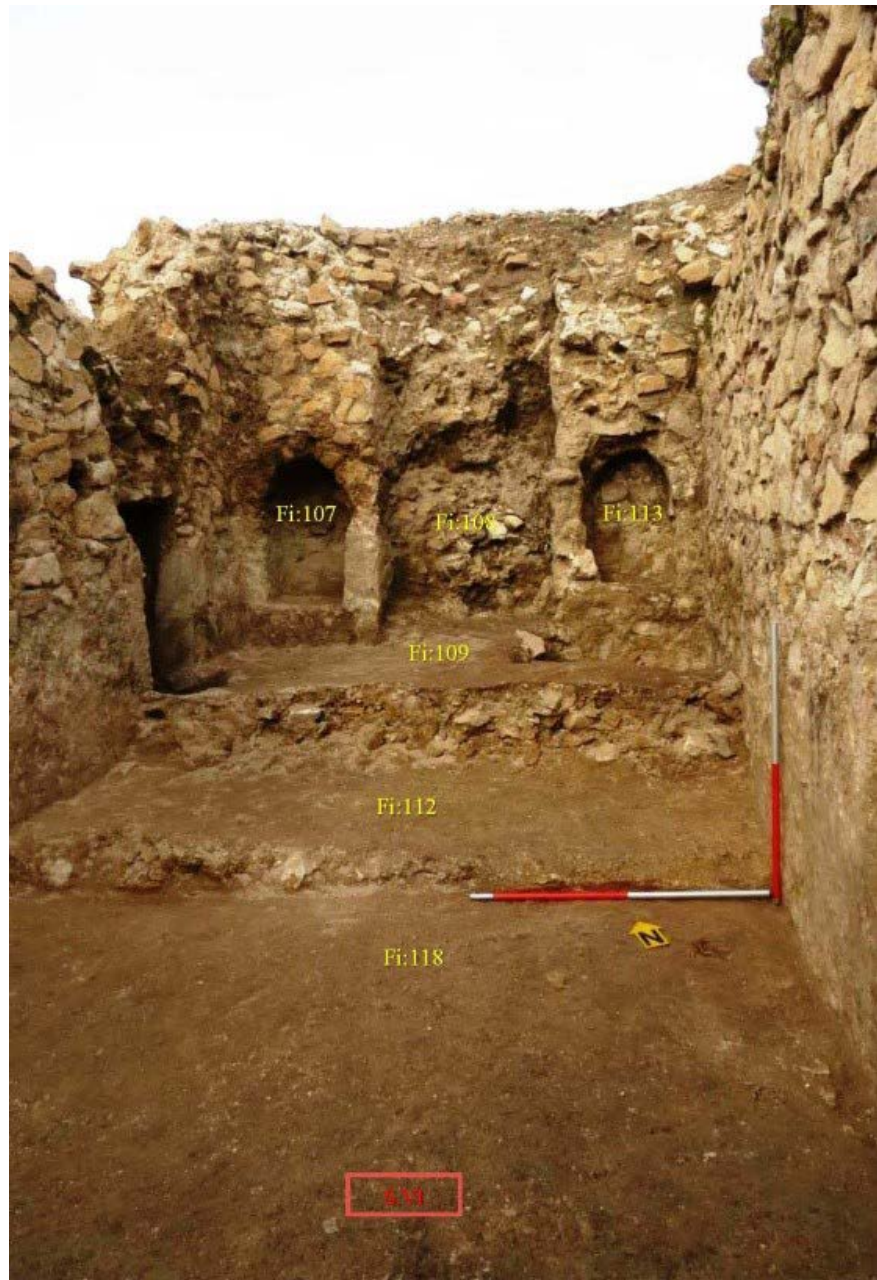
فضای (۶) S.VI: یک اتاق بزرگ مستطیل شکل با جهت شمالی-جنوبی به ابعاد ۸۴۰×۳۲۵ سانتی متر، در سمت غرب فضاهای S.V و S.III نمایان شد. درگاه ورودی اصلی آن در سمت شمال به فضای روباز مستطیل شکلی راه دارد که به احتمال زیاد حیاط بنا است که دسترسی به تمام فضاهای این مجموعه از طریق آن امکان پذیر بوده است. هم‌چنین یک درگاه ورودی در سمت شمال غربی آن که به فضای S.VIII راه پیدا می‌کرد، پدیدار شد. در کف این درگاه، سه کوزه بزرگ پر از غلات کربونیزه یافت شد. در طرفین درگاه منتهی به فضای روباز دو طاقچه قرینه با قوس هلالی ظاهر شد. هم‌چنین در مرکز دیوارهای غربی و شرقی دو طاقچه بزرگ به صورت قرینه تعبیه شده بود که در درون و بدنه این طاقچه‌ها هنوز اندود گچ مشخص بود. طاقچه مرکزی درون دیوار با قوس تقریباً بیضی شکل در ضلع غربی فضا در فاصله ۲۵۵ متری از درگاه بین فضای VI و VIII قرار داشت. عرض طاقچه حدود ۹۰، ارتفاع طاق آن از کف ۱۰۹ و عمق آن ۵۰ سانتی متر است. اجرای طاقچه‌ها نیز با استفاده از چوب‌بست بوده است. در دیوارهای اتاق‌ها حفره‌هایی دیده می‌شود که برای قراردادن داریست به منظور زدن طاق‌ها بوده است. نمونه مشابه چنین حفره‌هایی در ساختار دیوارهای کاخ اوخیضر نیز دیده می‌شود (Creswell, 1979: 54).

به هر حال می‌توان تصور کرد که قوس جناغی طاقچه‌ها اولین بار در بناهای اواخر دوره ساسانی به عنوان یک عنصر معماری دیده می‌شود که راه را برای معرفی قوس تیزه‌دار در معماری اسلامی باز کرد (پوپ، ۱۳۸۷: ۶۵۸). در قبل از اسلام اکثر فرم‌ها بیضی بود و هرچه دهانه بزرگ‌تر می‌شد، خیز بیضی (فاصله کانونی) را بیشتر می‌کرد (بزرگمهری، ۱۳۶۶: ۲۸۳). طاقچه قرینه آن با قوس بیضی در ضلع شرقی

فضا قرار داشت. عرض طاقچه ۹۰، عمق ۵۰ و ارتفاع آن از کف گچی ۱۱۰ سانتی‌متر بود. این طاقچه در ادوار بعدی استقرار، در فاز معماری عشایری تخریب و به یک درگاه بین فضای VI و III تبدیل شده بود که در دوران معاصر، درون این سازه توسط عشایر بالاشه‌سنگ و ملات گِل پُر شده بود و به عنوان دیوار غربی برای فضای III در فاز معماری عشایری معاصر استفاده شده بود. در این فضا، سه کف استقرار مشخص شد که کف گچی اصلی روی یک لایه گِل رس کوبیده و زیر آن یک ردیف قطعات سنگ بزرگ و کوچک به منظور هموار نمودن و یکسان‌سازی سطح قرار داشت. در بخش جنوبی اتاق، آوارهای عظیم فروریخته سقف که حاکی از پوشش گهواره‌ای سقف بود، مشاهده گردید (شکل ۹).

فضای (۷) S.VII: یک اتاق مستطیل‌شکل با جهت شرقی-غربی به ابعاد ۴۴۰×۳۰۰ سانتی‌متر، در سمت شمال فضای S.VIII و S.IX که یک درگاه سوراخ کلیدی در سمت غرب آن بین فضاهای VII و IX قرار داشت. ارتفاع این درگاه از کف تا بالاترین نقطه طاق ۲۳۵ سانتی‌متر، عمق ۱ متر، عرض هویه ۶ سانتی‌متر و عرض طاق حدود ۱۱۲ سانتی‌متر است. در دوره ساسانی به کمک قالب‌بندی، قوس‌های دایره‌ای برای سردرها ساخته می‌شد. از آنجا که برای تکیه‌گاه قالب چنین قوس‌هایی تا حدی می‌بایستی عقب می‌نشستند، لذا با قدری ملات‌کاری روی روکش‌سازی قوس حاصله، فرم نعل‌اسبی به خود می‌گرفت (فرشاد، ۱۳۲۰: ۴۶۴ و ۴۶۵). این نوع قوس با نام‌های «سوراخ کلیدی»، «نعل‌اسبی» و قوس‌های «نیم‌دایره‌ای یا بلند» خوانده می‌شود که این شیوه طاق‌زنی مختص دوره ساسانی است که در تخت‌سلیمان، بیشاپور و سایر محوطه‌های هم‌زمان دیده می‌شود. «قوس‌های نعل‌اسبی به عنوان جایگزین با اندکی تفاوت با سایر قوس‌ها به کار رفت و تا اواخر دوره ساسانی رواج نیافت. این شکل قوس در شرق دوام نیاورد و در قرون اولیه اسلام در سوریه و عراق ناپدید شد، ولی در غرب سرزمین‌های اسلامی چنان جای پای محکمی به دست آورد که امروزه هنوز هم در آن ممالیک کاربرد دارد و در ایران فقط در معماری ایرانی اسلامی شرق آن دیده شده است. منشأ این نوع قوس‌ها با قاطعیت مشخص نشده است» (پوپ، ۱۳۸۷: ۶۵۰ و ۶۵۶).

با توجه به پیدا شدن بقایای لولای در اکسید شده و یک میخ مفرغی در کنار این درگاه، به احتمال فراوان درهای ورودی این بنا از جنس چوب بوده که در اثر مرور زمان از بین رفتند. در ضخامت جرز غربی درگاه ورودی، حفره‌ای به ارتفاع ۳۳ و عرض ۲۴ سانتی‌متر نمایان شد که شاید محل گُلون در و یا با توجه به آثار دودزدگی در آن، جایگاه قرارگرفتن وسایل روشنایی بوده است. در سمت شمال این فضا یک کمدگنجه بزرگ با عمق کم و قوس هلالی به ارتفاع نیم‌متر از سطح کف قرارداداشت که در اثر حفاری غیرمجاز بخشی از ساختار دیوار آن از بین رفته بود. روی بدنه این دیوار در نزدیک کف یک مجرای تهویه یا گربه‌رو با دهانه تقریباً مربع‌شکل به طول ۲۵، عرض ۲۰ و عمق ۱۰۰ سانتی‌متر پدیدار شد که با توجه به آثار دودزدگی در دهانه این سازه، احتمالاً یک هواکش بوده که حرارت و دودها و یا رطوبت درون اتاق از طریق آن خارج می‌شده است.



► شکل ۹. فضای S.VI (نگارنده، ۱۳۹۴).

روی بدنه دیوار شمالی دو طاقچه بزرگ قرینه با قوس هلالی قرار داشت. طول طاقچه شرقی ۹۰ و عمق آن ۵۵ سانتی‌متر است. در بالای طاقچه حفره‌هایی که احتمالاً برای خریا بوده، مشاهده شد. طاقچه غربی در فاصله ۷۰ سانتی‌متری از ضلع غربی فضا و ۱۱۰ سانتی‌متری از طاقچه شرقی قرار داشت. این طاقچه با قوس تقریباً بیضی از طاقچه شرقی کمی بزرگ‌تر است. ارتفاع آن ۱۲۰، عمق ۶۵ و طول آن در جهت شرقی غربی ۱۰۰ سانتی‌متر است. این دو طاقچه که نسبتاً مشابه هم هستند، ولی از نظر اندازه، عمق و ارتفاع کاملاً قرینه و یکسان نیستند. فرم اکثر طاق‌ها در ایران قبل از اسلام بیضی نزدیک به دایره بود. یعنی فاصله کانونی بیضی به اندازه

نصف دهانه انتخاب می‌شد که شکلی نزدیک به دایره می‌داد (بزرگمهری، ۱۳۶۶: ۳۸۲). اغلب قوس‌ها به عنوان نشانه‌های باربر در سازه به کار برده شده است که باید علاوه بر وزنش، بار وارده را نیز تحمل نماید (پورامینیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۰). معماران ایرانی به تجربه دریافتند که نیم‌دایره، شکل مناسبی برای پوشش نیست و در عمل قسمت‌هایی از آن می‌شکند و سر بر می‌گند. به همین دلیل فرم نیم‌دایره را در قسمتی که می‌خواست به بیرون بشکند به داخل کشیدند، یعنی مرکز قوس را نزدیک‌تر آوردند و قسمتی را که میل داشت به داخل بشکند به بیرون کشیدند؛ یعنی مرکز قوس را دورتر گرفتند و در قسمتی که طاق می‌خواست سر برکند خفتش انداختند و فرم به دست آمده، مبنایی برای زدن چفدهای جناغی شد که پس از اسلام بسیار رواج یافت (ایمانی، ۱۳۷۸: ۵۶۷). در مجموع، طاق بندی ساسانی فوق‌العاده بی‌قواره است. استفاده از لاشه سنگ در سازه، موجب می‌شود که جدار دیوارها و پوسته طاق‌ها بسیار ضخیم شود. هرچه تعداد اتاق‌ها افزایش می‌یافت، سازندگان آشکارا به همان نسبت تقویت طاق‌هایی که اتاق‌ها را دهانه بندی می‌کرد، ضروری می‌یافتند. در یک معماری مبتنی بر طاق بندی نظیر معماری ساسانی، قوس لزوماً نقش کلیدی داشت و درها و طاقچه‌های دیواری قوس دار، نقش مایه‌های اصلی در طراحی داخلی و خارجی بنا به شمار می‌رفت (پوپ، ۱۳۸۷: ۶۵۱ و ۶۵۲).

متأسفانه بخش زیادی از دیوار جنوبی به دلیل کم‌عرض بودن، فرو ریخته است. دو کف استقرار در این فضا مشخص شد که برای کف سازی ابتدا روی بستر طبیعی از سنگ گچ، سطح را با گل رُس پوشانیده و صاف کرده و سپس با قلوه سنگ‌های ریز و درشت روی آن را پر کرده و در نهایت کف اصلی با لایه‌ای از گچ ایجاد شده است. پس از این کف یک لایه ضخیم زغال و خاکستر سیاه وجود داشت و پس از آن، یک لایه کف گچی استقرار دیگری نمایان شد. هم‌چنین دو چاله کرسی در ضلع شرقی این فضا روی کف پدیدار شد. این چاله کرسی‌ها در اتاق‌های فاقد سکوبندی، روی کف قرار داشتند و در درون آن‌ها آثار سوختگی و حرارت و زغال سوخته وجود داشت. سطح این اجاق‌ها که در تابستان غیرقابل استفاده بود، با گچ اندود شده و بقایای زغال و خاکستر حاصل از آن، زیر اندود گچ باقی می‌ماند (شکل ۱۰).

فضای (۸) S.VIII: یک اتاق مستطیل شکل به ابعاد ۴۴۵ × ۸۱۰ سانتی متر با جهت شمالی-جنوبی در جنوب فضای S.VII نمایان شد. سطح این اتاق بالاتر از اتاق S.VII است. دارای یک درگاه ورودی در سمت شمال شرقی بوده که به اتاق S.VI راه دارد. عرض این درگاه در فضای VIII حدود ۹۰ و در فضای VI حدود ۶۰ سانتی متر است. عمق این درگاه در فضای VI حدود ۲۵ سانتی متر است. بر بدنه دیوار شمالی نیز یک کمد گنجه بزرگ عریض با جهت امتداد شرقی-غربی به طول ۳۱۵ و عرض ۵۰ سانتی متر تعبیه شده بود. در مرکز اتاق بقایای دو دیوارک از لاشه سنگ و ملات گچ مشاهده شد. کف گچی اصلی این فضا از بین رفته و تنها لایه‌ای از مخلوط گچ و خاک باقی مانده بود (شکل ۱۰).

فضای (۹) S.IX: یک فضای مستطیل شکل با جهت شرقی-غربی به ابعاد

۴۲۲×۳۸۰ سانتی‌متر، در سمت غرب فضای S.VII با کف سنگ‌فرش نمایان شد. درگاه سوراخ کلیدی فضای S.VII در سمت غرب آن قرار دارد. در زاویه دیوار جنوب شرقی، یک کف خمره بزرگ که برای ذخیره آذوقه در زمین جاسازی شده بود، دو طاقچه مستطیل شکل، یکی در گوشه شمال غربی و دیگری روی دیوار جنوبی نمایان شد. در درون این فضا در حین کاوش با اشیاء فراوانی شامل: کوزه‌ها، بشقاب‌ها، خمره‌ها، قوری سفالی و قطعات گچ‌بری‌های منقوش مواجه گردید. در سمت جنوب آن یک درگاه به سمت فضای S.X قرار داشت (شکل ۹).

فضای (۱۰) S.X: در این فضا تاپوه یا سیلوهایی برای ذخیره‌سازی غلات با کف و جداره گچ اندود به شکل چهارضلعی پدیدار شد. این تاپوها دارای یک در ورودی مستطیل شکل بودند. با توجه به یافته‌ها، این فضا می‌تواند انبار آذوقه ساکنین بنای گوریه باشد. احتمالاً سه مخزن آذوقه پدیدار شده، دارای درپوش متحرک مسطحی بوده‌اند. در دیوار شرقی دو مورد از تاپوها هم‌طراز با کف دریاچه خروجی ایجاد شده‌اند، تا در مواقع لازم بتوان به راحتی آذوقه موردنیاز را از تاپوها برداشت کرد.



▲ شکل ۱۰. نمایی از فضاهای VIII, VII, IX, X (یاری، ۱۳۹۴).

مقایسه، پیشنهاد کاربری و تاریخ‌گذاری بنا

یکی از ویژگی‌های این بنا، ساخت فضاها و اتاق‌های آن در شیب طبیعی روی یک بستر طبیعی صخره‌ای است و به همین دلیل اتاق‌های نمایان شده در طی کاوش، دارای اختلاف سطح با یکدیگر هستند. این سبک معماری با استفاده از مصالح بوم‌آورد در منطقه طراحی و ساخته شده است و درحالی‌که از الگوی معماری همگانی و کلی زمان خود پیروی می‌کند، در عین حال جزئیات ساختارها با کاربری آن منطبق است. سنجش عناصر معماری بنای گوریه با سایر بناهای اعیانی این دوره، مانند

خانه اربابی دره شهر (لک پور، ۱۳۸۹)، بنای روئه (نیاکان، ۱۳۹۸)، قلاگوری راموند (حسن پور و همکاران، ۱۳۹۵)، لار (مترجم، ۱۳۹۵)، جهانگیر (خسروی، ۱۳۹۹) در منطقه ایلام، حاجی آباد فارس (Azarnoush, 1994) و خانه‌های اربابی تیسفون، کار دشواری است؛ زیرا تنها بخش‌هایی از پلان این بناها پدیدار شده و به‌طور کامل کاوش نشدند. گرچه همه آن‌ها از پلان چهارضلعی دوره ساسانی پیروی می‌کنند که گوریه هم از این قاعده مستثنی نیست، اما در جزئیات هرکدام بر حسب نیاز، کارکرد و سایر پارامترهای دیگر دارای خصوصیات منحصر به خود هستند. وجود تنوع زیست محیطی و سنت‌های بومی متفاوت، تنوع در طرح کاخ‌ها که خانه‌های اربابی در واقع صورت ساده شده آن‌ها هستند و معماری مسکونی این دوره را به وجود آورده است. بنای گوریه از نظر پلان، ساختار کلی و تزئینات وابسته، مانند گچ‌بری متأثر از هنر رایج دوره ساسانی است؛ اما در جزئیات با توجه به متغیرهای زیست محیطی و طبیعی در منطقه با دیگر سازه‌هایی که تاکنون کاوش شده‌اند، متفاوت است.

جغرافیا، عاملی تأثیرگذار و فعال در برپایی و ساخت این بناها بوده و به دلیل کوهستانی بودن منطقه و وفور سنگ‌های مناسب و منابع سنگ گچ در منطقه، ساخت و ساز را برای آن‌ها تسهیل نموده است. در طرح معماری این‌گونه بناها همواره تلاش می‌شود، فضاها به‌ویژه در اندرونی گوناگون باشند. با آن‌که نمای ساختمان به صورت جفت یا قرینه بوده، ولی در طرح معماری درونی ناقرینه کار شده است. تکنیک تقارن و تقابل در آثار هنری دوره ساسانی به کثرت به‌کار برده شده است. این تقارن به نوعی وحدانیت و مرکزیت تأکید دارد و خود بر چند نوع عمودی، افقی و انعکاسی است. پلان بنای گوریه از نوع بناهای اعیانی پیروی می‌کند که این نوع پلان از معماری اشکانیان الهام گرفته است. در دوره اشکانی عمارت‌ها دارای حیاط و گاه دارای ایوان بوده و اتاق‌ها در اطراف حیاط قرار داشتند. این سبک معماری مختص بابلیان بوده که اشکانیان آن را از بابلیان اقتباس کردند (توسلی، ۱۳۸۷: ۶۰۵). ویژگی‌های اقلیمی را باید یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی مؤثر در طراحی و ساخت گونه‌های متعدد معماری دانست. در اقلیم سرد، اتاق‌های واقع در سمت شمال حیاط، از سایر قسمت‌ها بزرگ‌تر و وسیع‌تر بوده و اتاق‌های جنوبی، شرقی و غربی، برای انبار و فضاهای خدماتی مورد استفاده قرار می‌گرفته است که مصداق کامل پلان معماری بنای گوریه است. قرارگیری تالار و اتاق اصلی نشیمن در سمت شمال حیاط، برای استفاده از تابش مستقیم و حرارت آفتاب در فصل زمستان بوده و بازشوها (در و پنجره) به حداقل می‌رسیده است (محمدپور، ۱۳۹۳).

در فرهنگ ایرانی، احترام به همه عناصر طبیعت وجود دارد و باور به آب و پرستش آن از دوره‌های پیشین تا دوره ساسانیان باعث خلق معماری و فضایی برای پرستش این ماده مقدس شد (غلامی، ۱۳۹۷: ۴۲). بررسی و مطالعه چشم‌انداز کاخ‌های ساسانی نمایان‌گر حضور آب است که با این اوصاف وجود رود کنگیر در منظر بنای گوریه کاملاً قابل توجیه است. اطراف کنگیر، طبیعت مناسبی برای شکار و استراحت داشته که زمینه برای سکونت و ساخت این نوع از بناها را در این منطقه فراهم کرده است و ساخت چنین بنایی را می‌توان در ارتباط با چشم‌انداز طبیعی

پیرامون تفسیر کرد و آن را یک دسکره و اقامتگاه اعیانی ساسانی دانست. در دوره ساسانی در بیرون از شهرهای آباد، دسکره‌هایی وجود داشته که پادشاهان و امیران برای خوش‌گذرانی و گذراندن اوقات فراغت و شکار خود می‌ساختند (پیگولوسکایا، ۱۳۷۷: ۲۹۰). براساس متون تاریخی ایالت ماسبذان که آریوچان نیز بخشی از آن بوده، از تفرجگاه‌های دوره ساسانی و آغاز اسلامی بوده است.

بقایای معماری نمایان شده از بنای گوریه را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود؛ ابتدا، بنای اولیه و اصلی که در دوره ساسانی ساخته شده و سپس در قرون نخستین اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در برخی از منابع تاریخی، شکل‌گیری این بناها را به قرون اول و دوم هجری قمری نسبت می‌دهند، اما با توجه به داده‌ها و شواهد باستان‌شناسی یافت شده، این نوع از بناها متعلق به دوره ساسانی هستند که در قرون نخستین اسلامی با ایجاد تغییرات اندک از آن‌ها استفاده شده است. در طی عملیات کاوش، شاهد دخل و تصرفات عشایر با استفاده از ساخت و سازهای ابتدایی و ساده، با به‌کارگیری مصالح باقی‌مانده از ویرانه‌های بنای اصلی با ملات گِل در طی قرون متمادی هستیم. هم‌چنین در بخش شمال، شمال شرق و شرق بنای گوریه، بقایای سازه‌های معماری عشایری به صورت تپه‌ماهورهایی جلب نظر می‌کند که حاکی از ادامه حیات روی بقایای بنا و اطراف آن توسط عشایر کوچ‌رو است. در بنای گوریه، آثار تخریب زلزله به صورت شکاف‌هایی در دیوارها و فرو ریختن پوشش سقف‌ها، طاقچه‌ها، ستون‌ها و جرزه‌های عظیم روی کف، قابل مشاهده بود. براساس متون تاریخی، دو زلزله عظیم در قرون ۳ و ۴ ه.ق. رخ داده (مسعودی، ۱۳۴۴: ۴۸؛ اکبری، ۱۳۹۴: ۶۵) که با مطالعات سائیموتکتونیک و مورفوتکتونیک انجام شده در این پهنه، مطابقت دارد و بیشتر زلزله‌های ثبت شده تاریخی در منطقه، دارای بزرگای بالاتر از ۶ ریشتر هستند (خسروی و قربانی، ۱۳۹۷). کاخ‌های دوره ساسانی عموماً به دو نوع مسکونی و تشریفاتی تقسیم می‌شود و با توجه به یافته‌های مختلف حاصل از کاوش، این بنا را می‌توان به عنوان یک بنای قابل دفاع اعیانی با کارکرد مسکونی تشریفاتی معرفی می‌کند. تمام این‌گونه از کاخ‌های دوره ساسانی در غرب ایران در مسیر شاهراه قرار دارند که گوریه نیز بر سر یکی از راه‌های اصلی به بین‌النهرین قرار داشته است. اقامتگاه اعیانی بیلاقی گوریه از نظر معماری و یافته‌های منقول حاصل از کاوش آن، به ویژه از نظر انبوهی اتاق‌ها قابل مقایسه با سایر عمارت‌های هم‌زمان خود در تیسفون عراق، مانند: ام‌الزعتیر، ام‌المعارید (Azarnoush, 1994: 79) و کاخ کیش (Bier, 1993: 65) است. در همه کاخ‌های ساسانی تنوع فضایی فراوانی دیده می‌شود و در برخی نیز مانند عمارت خسرو بناهای خدماتی مانند حمام و آشپزخانه دیده می‌شود (طهماسبی، ۱۳۹۲: ۱۶۶) که فضای مطبخ نیز در بنای گوریه شناسایی شد. این بنا مانند سایر بناهای ساسانی بدون پی و دیوارها روی زمین، کار گذاشته شده و پوشش سقف‌ها به شکل طاق‌آهنگ است (آزاد، ۱۳۹۲: ۹۷). طاق‌های ساسانی از نظر مقطع و شکل به انواع نیم‌دایره (گهواره‌ای یا ناودانی)، نیم‌بیضی (شلجمی)، طاق‌های تیزه‌دار و نعل‌اسبی شناسایی شدند که در معماری بنای گوریه از انواع طاق‌های رایج این

دوره برای ورودی‌ها و طاقچه‌ها استفاده شده است. ادامه روند ساخت کاخ‌های کوچک اعیانی شبیه به گوریه، حتی تا دوره اموی ادامه می‌یابد که سبک معماری قصر خزانه و الحیر، نمونه‌هایی از این نوع کاخ‌هاست و سرانجام گوریه پس از آبگیری سد کنگیر در زمستان ۱۳۹۴ ه.ش. برای همیشه در زیر آب آرמיד و با توجه به اهمیت معماری این دوران در تاریخ معماری ایران تلاش شد که اجزاء و عناصر معماری این بنای فاخر اعیانی معرفی و مورد واکاوی قرار گیرد.

مستندنگاری پانورامیک بنای گوریه با بهره‌گیری از پهپاد فتوگرامتری

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش که برای نخستین بار در کاوش‌های دوران تاریخی انجام شد، استفاده از تکنیک پانورامیک برای مستندسازی یافته‌های معماری حاصل از کاوش و ایجاد سایت موزه مجازی گوریه بود (شکل ۱۱). عکس برداری پانورامیک، برای نمایش ۳۶۰ درجه‌ای در نمایش و مستندسازی بناها، اشیاء و ایجاد سایت موزه‌ها کاربرد بسیار مفیدی دارد و خلق تصاویر پانوراما که دارای نمایش جذاب و واقعی از محوطه‌های باستانی است، یک نوع مستندسازی علمی و دقیق به حساب می‌آید. باستان‌شناسان با پانوراما نمودن محوطه‌های کاوش شده، می‌توانند در آینده و بدون حضور در سایت تمام نقاط محوطه را با این مدل تصویر مشاهده نمایند و تحلیل‌های خود را با کمک این تصاویر به خوبی انجام دهند (یاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱).

گچ‌بری‌ها

گچ‌بری‌ها به عنوان یک عنصر تزئینی وابسته به معماری از درون فضاهای بنای گوریه به صورت حاشیه‌های تزئینی، قطعات ستون نما و مقاطع قوسی شکل به دست آمدند. قاب‌بندی‌های هندسی (مثلث، مستطیل، دایره و غیره) و حاشیه‌بندی‌ها دارای آرایه‌های گیاهی هستند که در درون چهارچوب‌های هندسی قرار گرفته‌اند. استفاده از قاب‌های تزئینی در دوره ساسانی متداول بوده است و نقوش گیاهی و هندسی با بهره‌گیری از علوم ریاضی و قوانین هندسی در درون قاب‌بندی‌های مختلف طراحی شده‌اند (Kruger, 1983: 91). در گچ‌بری‌های گوریه بیشتر از روش قالب‌گیری استفاده شده و تأثیرات بارز سبک محلی در آن‌ها قابل مشاهده است. هنرمند گچ‌کار با ذهن خلاق خود با تعهد به حفظ سبک‌های رایج دوران خود، براساس نیازها و سنت‌های محلی، تغییراتی در آن‌ها ایجاد کرده است؛ به عنوان مثال، گچ‌بری با آرایه میوه انار با مفهوم نمادین خود در سایر محوطه‌های ساسانی به دست آمده، اما نقش انار گوریه کاملاً متفاوت است و تاکنون با این سبک هنری در هیچ‌کدام از محوطه‌های ساسانی شناسایی نشده است. ویژگی مهم آرایه‌ها تقارن و تکرار نقوش است. ظرافت و دقت در اجرای نگاره‌ها تا حدودی رعایت شده است و استفاده از شیوه‌های انتقال و قرینه‌سازی انعکاسی در تکثیر نقوش دیده می‌شود (شکل ۱۲)، (خسروی، ۱۳۹۹).



▲ شکل ۱۱. تصویر پانورامیک تهیه شده از بنای گوریه (یاری، ۱۳۹۴).

نتیجه‌گیری

گوریه، یکی از سازه‌های معماری دوره ساسانی در حوزه شمالی استان ایلام بود که به دنبال مسأله قرارگیری در تراز ۱۰۲۲/۵ سد کنگیر ایوان، فرصت کاوش در آن پیش آمد. موقعیت ویژه این منطقه در زاگرس مرکزی، واقع شدن بر سر یکی از راه‌های باستانی به بین‌النهرین، وجود رودخانه کنگیر، منابع سنگ گچ در منطقه و غیره می‌تواند از پارامترهای مؤثر در برپایی و شکل‌گیری این بنا باشد. بنای گوریه، دارای پلان هندسی مستطیل است که از پلان بناهای اعیانی هم‌زمان خود پیروی می‌کند و متشکل از تعدادی اتاق با حیاط و فضای داخلی بوده و معماران و سازندگان آن با آگاهی کامل از امکانات و عناصر معماری موجود، براساس نقشه و الگوی از پیش طراحی شده، اقدام به ساخت آن نموده‌اند. شیوه ساخت، مصالح و ساختار کلی گوریه، تمام شاخصه‌های معماری دوره ساسانی را در ذهن تداعی می‌کند؛ اما در جزئیات با توجه به نیازها و متغیرهای زیست‌محیطی و طبیعی در منطقه با دیگر سازه‌هایی که تاکنون کاوش شده‌اند، متفاوت است و سازندگان آن علاوه بر پیروی از سنت‌های هنری رایج این دوره، تحت تأثیر الگوهای هنری محلی نیز بودند. این بنا مانند سایر بناهای ساسانی، بدون پی و دیوارها روی بستر طبیعی کار گذاشته شده و پوشش سقف‌ها به شکل طاق آهنگ بوده است. مصالح بنا از لاشه سنگ به روش غوطه‌ور در ملات گچ نیم‌پخته نیم‌کوب بوده و از انواع طاق‌های رایج این دوره برای ورودی‌ها و طاقچه‌ها استفاده شده است. در برخی از متون تاریخی، برپایی این سازه‌ها را به سده‌های نخستین اسلامی نسبت می‌دهند؛ اما با توجه به آثار منقول به دست آمده از درون فضاها، مشخص شد که حیات در بنای گوریه از دوره ساسانی شروع و تا قرون نخستین اسلامی ادامه داشته و پس از آن مورد استفاده عسایر کوچ‌رو بوده است. طراح هندسه بنای گوریه، خود را به ملزم به استفاده از شاخصه‌های عوارض طبیعی محیطی هم‌چون رودخانه کنگیر و کوه بایه نموده است. با توجه به سبک معماری و یافته‌ها، بنا دارای کاربری مسکونی تشریفاتی بوده است که ساخت چنین بنایی را می‌توان در ارتباط با چشم‌انداز طبیعی پیرامون آن تفسیر کرد و آن را یک دسکره و اقامتگاه اعیانی ساسانی دانست. براساس متون تاریخی ایالت ماسبدان که آریوحان نیز بخشی از آن بوده، از تفرجگاه‌های دوره ساسانی و آغاز اسلامی بوده است. نتایج مطالعات سائزموکتونیک و مورفوتکتونیک انجام شده در این پهنه، وقوع زلزله در منطقه را تأیید می‌کند و به احتمال زیاد



▲ شکل ۱۲. گچ‌بری با آرایه میوه انار مکشوفی از بنای گوریه (نگارنده، ۱۳۹۴).

علاوه بر عوامل محیطی و اجتماعی، وقوع زلزله در منطقه، عامل مهم افول حیات در بنا است. سرانجام گوریه پس از آبگیری سد کنگیر در زمستان ۱۳۹۴ برای همیشه غرقاب شد. با شناخت بهتر از کیفیت زندگی و عرصه‌های مختلف زندگی ساسانیان، آرایش معماری و فضاهای بناهای سکونت‌ی آن‌ها در هر ناحیه از ایران، می‌توان قضاوت بهتری از آثار این دوره داشت.

پی‌نوشت

1. Gowriyeh
2. Kangir
3. Ariyohan
4. Konabaja
5. Tapo

کتابنامه

- استارک، فریا، ۱۳۵۸، سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام. ترجمه علی محمد ساکی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- اکبری، مرتضی، ۱۳۹۴، «بررسی و تحلیل جایگاه ایالت ماسبدان و مهرجان قذق ایلام در دوره خلافت عباسی». مجله فرهنگ ایلام، شماره ۱۶ (۴۶ و ۴۷)، صص: ۷۴-۵۵.
- ایمانی، نادیه، ۱۳۷۸، «تحلیل ساختار قوس ایوان غربی مسجد جامع ساوه». مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ۲۵-۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۸، به‌کوشش: باقر آیت‌اله‌زاده شیرازی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه)، صص: ۶۰-۱۵۶۷.
- آزاد، میترا، ۱۳۹۲، «تداوم معماری مذهبی ساسانی در مسجد تاریخانه دامغان: تحلیل مقایسه‌ای آتشکده تپه حصار و مسجد تاریخانه دامغان». مجله صفا، شماره ۲۳ (۲)، صص: ۱۰۴-۸۵.
- بزرگمهری، زهره، ۱۳۶۶، «قوس‌ها در معماری ایرانی». در: معماری ایران در دوران اسلامی، به‌کوشش: محمدیوسف کیانی، تهران: نشر دانشگاهی.
- پوپ، آرتور؛ و آکرمن، فیلیس، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران از دوران پیش‌ازتاریخ تا امروز. ترجمه نجف دریا بندری و همکاران، جلد ۲ (دوره ساسانی)، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- پورامینیان، مجید؛ صادقی، ارژنگ؛ و پوربخشیان، سمیه، ۱۳۹۱، «بررسی پایداری لرزه‌ای قوس‌های آجری ایرانی»، نشریه مهندسی عمران و محیط زیست. شماره ۴۲ (۶۶)، صص: ۵۵-۴۹.
- پیرانی، بیان، ۱۳۸۰، «گزارش بررسی و شناسایی شهرستان ایوان در استان ایلام». ایلام: مرکز اسناد میراث فرهنگی استان ایلام (منتشر نشده).
- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۷۰، «گنبد در معماری ایرانی». مجله اثر، شماره ۱۲ (۲۰)، صص: ۱۳۹-۵.

- پیگولوسکایا، نیناویکتوروونا، ۱۳۷۷، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ترجمه عنایت‌اله رضا، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- توسلی، حمیدرضا، ۱۳۸۷، هنر و تمدن ایرانی در عصر اشکانی. تهران: نشر راما.
- حسن‌پور، عطا؛ دلفان، فاطمه؛ و بیرانوند، الهام، ۱۳۹۵، «تحلیلی بر معماری مکشوفه از نخستین فصل کاوش بنای قلاگوری زماوند»، فصلنامه اثر، شماره ۳۷ (۷۴)، صص: ۳۷-۶۰.
- حسینی، سیدهاشم؛ یوسفوند، یونس؛ و میری، فرشاد، ۱۳۹۴، «مطالعه تطبیقی نقوش گچ‌بری‌های مکشوفه از شهر سیمره با نمونه‌های مسجد جامع نائین». مجله پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان، شماره ۵ (۹)، صص: ۷۱-۸۶.
- خسروی، لیلا؛ و قربانی، الهام، ۱۳۹۷، «بررسی زمین‌شناسی، هیدرولوژی، ژئومورفولوژی و سائزموکتونیک و مورفوتکتونیک پهنة باستانی جهانگیر در حاشیه رود کنگیر، شهرستان ایوان، استان ایلام». فصلنامه کوارترنری ایران، شماره ۳ (۱)، صص: ۷۵-۹۳.
- خسروی، لیلا، ۱۳۹۹، «یافته‌های گچی ساسانی از بناهای اعیانی گوریه و جهانگیر بر کرانه رود کنگیر ایوان در استان ایلام». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۰ (۲۴)، صص: ۱۴۱-۱۶۷.
- راولینسون، سرهنری، ۱۳۶۲، سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان). ترجمه سکندر امان‌الهی بهاروند، تهران: نشر آگاه.
- شریفی، مهناز، ۱۳۹۸، «نویافته‌های بقایای معماری اواخر دوره ساسانی و اوایل اسلامی در حوضه رودخانه سیمره (زاگرس مرکزی)». شماره ۹ (۳۶)، صص: ۵۹-۶۸.
- شریفی‌نیا، اکبر؛ حیدری‌باباکمال، یداله؛ و شاکرمی، طیبه، ۱۳۹۸، «مطالعه نقش‌مایه‌های گیاهی اساطیری و مقدس در تزئینات گچ-بری مسجد سیمره». فصلنامه هنرهای صناعی اسلامی، شماره ۳ (۲)، صص: ۱۲۱-۱۳۴.
- صفاری، امیر؛ و منصوری، رضا، ۱۳۹۲، «ارزیابی نسبی فعالیت‌های زمین‌ساختی بخش علیای حوضه آبگیر کنگیر (ایوان غرب) با استفاده از شاخص‌های ژئومورفیک». فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای، شماره ۳ (۷)، صص: ۳۵-۵۰.
- طهماسبی، احسان، ۱۳۹۲، «بررسی تطبیقی معماری کاخ‌ها و خانه‌های اعیانی ساسانیان». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۴ (۳)، صص: ۱۵۳-۱۶۸.
- غلامی، صبا، ۱۳۹۷، «جستجوی هویت آب در معماری ساسانی». مجله پژوهش در عمران، معماری و شهرسازی، شماره ۴ (۱۴)، صص: ۴۱-۵۱.
- فرشاد، مهدی، ۱۳۲۰، تاریخ مهندسی در ایران. تهران: انتشارات بنیاد نیشابور.
- قوچانی، عبدالله، ۱۳۷۳، «قلمرو حکومت ابوالنجم بدرین حسنویه به استناد سکه‌ها». مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۸ (۲)، صص: ۴۶-۶۵.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله، ۱۳۶۸، «دره‌شهر». در: شهرهای ایران، جلد ۳، به‌کوشش: محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی، صص: ۱۰۷-۱۵۰.

- کلایس، ولفرام، ۱۳۵۴، گزارش‌های باستان‌شناسی در ایران. ترجمه سروش جیبی، تهران: بنگاه ترجمه نشر کتاب.
- گیرشمن، رومن، ۱۳۷۸، بیشاپور، موزائیک‌های ساسانی. ترجمه اصغر کریمی، جلد ۲، تهران: نشر پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- لک‌پور، سیمین، ۱۳۸۹، کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره‌شهر (سیمره). تهران: انتشارات پازینه.
- مبینی، مهتاب؛ شاکرمی، طیبه؛ و شریفی‌نیا، اکبر، ۱۳۹۷، «بررسی تطبیقی تزئینات گچ‌بری مسجد سیمره با مسجد نه‌گنبد بلخ و سامرا از دوره عباسی». مجله هنرهای زیبا. هنرهای تجسمی، شماره ۲۳ (۱)، صص: ۶۱-۷۲.
- مترجم، عباس، ۱۳۹۴، «کاوش لار». در: پژوهش‌های باستان‌شناسی حوضه آبگیر سد سیمره، به‌کوشش: لیلی نیاکان، صص: ۲۰۰-۲۱۰.
- محمدپور، حامد، ۱۳۹۳، اقلیم سرد (تنظیم شرایط محیطی)، پاورپوینت، شیراز: دانشکده فنی و مهندسی باهنر.
- محمدی، مریم؛ نیستانی، جواد؛ و موسوی‌کوهپیر، سیدمهدی، ۱۳۹۰، «مطالعه گونه‌شناسی، عناصر و اجزای معماری ایران در دوره ساسانی». مجله نامه باستان‌شناسی، شماره ۱ (۱)، صص: ۸۳-۱۰۴.
- مرادی، ابراهیم، ۱۳۸۶، «گزارش بررسی و شناسایی حوضه آبگیر سد کنگیر». تهران: مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- مسعودی، ابوالحسن علی بن‌الحسین بن علی، ۱۳۴۴، التنبیه و الانشرف. لیدن.
- مظاهری، خداکرم، ۱۳۸۹، «متون کهن و ایالت ماسبدان در قرون اولیه اسلامی». مجموعه مقالات اولین کنگره بزرگداشت امام‌زاده علی صالح علیه السلام، ایلام: نشر دانشگاه آزاد ایلام.
- مهدوی‌نژاد، محمدجواد، ۱۳۹۱، «کیفیت نورگیرها در گنبد‌های ایرانی با رویکرد به مسائل سازه‌ای گنبد». مجله نقش جهان، شماره ۲ (۲)، صص: ۳۱-۴۲.
- نیاکان، لیلی، ۱۳۹۸، «بنای ساسانی روه بر کرانه‌های سیمره». پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۹ (۲۰)، صص: ۱۲۹-۱۴۸.
- یاری، محمد؛ و رفیعی، میثم، ۱۳۹۴، «بهره‌گیری از سامانه پهباد فتوگرامتری در باستان‌شناسی ایران». فصلنامه علمی تخصصی علوم باستان‌شناختی، شماره ۱ (۱)، صص: ۱-۱۴.
- یوسفی، محمد؛ و شاکر، حامد، ۱۳۹۳، «بررسی عناصر پایدار معماری ایران در آتشکده‌ها و مساجد». نهمین سمپوزیم پیشرفت‌های علوم و تکنولوژی، مشهد، ۲۹ آبان ۱۳۹۳، کمیسیون اول همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت خوانش هویت ایرانی اسلامی در معماری و شهرسازی، صص: ۱-۸.

- Akbari, M., 2015, "Study and analysis of the position of Masabazān and Mehjānqazaq prov-inces of Ilam during the Abbasid period". *Farhang-i Ilām*, No. 16, (46/47), Pp: 55-74, (In Persian).

- Azad, M., 2013, "Continuation of Sassanid religious architecture in the historical mosque of Damghan: a comparative analysis of the fire temple of Hesar Tepe and the historical mosque of Damghan". *Sofeh*, No. 23 (2), Pp: 85-104, (In Persian).
- Azarnoush, M., 1994, *The Sasanian Manor House at Hajiabad, Iran. Monografie di Mesopo-tamia III*. Florence, and Casa Edit rice Le Lettere.
- Bier, L., 1993, "The Sasanian Palaces and Their Influence in Early Islam". *ArsOrientalis*, Vol 23, Pp: 57-66.
- Bozorgmehri, Z., 1987, "The archs in Iranian architecture". In: *The Iranian Architecture during the Islamic period*, M.Y. Kiani (ed.). Tehran: University Publication Center, (In Persian).
- Creswell, K. A. C., 1979, *Early Muslim Architecture*. I Umayyads. A. D. 622-750, Rev. 2nd ed, Reprinted by: Hacker Art books, New York.
- Farshad, M., 1941, *The history of Engineering in Iran*. Tehran: Nishapur Foundation Publica-tion, (In Persian).
- Ghirshman, R., 1999, *Bishapur: Sasanian Mosaics*. Vol.2. A. Karimi (trns.), Tehran: RICHT Publication, (In Persian).
- Gholami, S., 1397, "The search for water identity in Sassanid architecture". *Journal of Civil En-gineering, Architecture and Urban Planning*, No. 4(14), Pp: 41-51, (In Persian).
- Ghouchani, A., 1994, "The realm of the rule of Abu al-Najm Badr Ibn al-Hasnawiyah based on coins". *Journal of Archeology & History*, No. 8(2), Pp: 46-65, (In Persian).
- Hassanpour, A.; Delfan, F. & Biranvand, E., 2016, "Analysis of the discovered architecture from the first chapter of excavation the building of Qala Gori Ramavand". *Athar Journal*, No. 37(74), Pp: 37-60, (In Persian).
- Hosseini, S. H.; Yousefvand, Y. & Miri, F., 2015, "Comparative study of bedrock patterns discovered in the city of Seymareh with examples of Nain Mosque". *Journal of Art Re-search, Isfahan University of Arts*, No. 5(9), Pp: 71-86, (In Persian).
- Imani, N., 1999, "Analysis of the structure of the arch of the west porch of Saveh Masjed Jameh". *Proceedings of the Second Congress of the History of Architecture and Urban Plan-ning of Iran*, April 25-29, 1999, by: Bagher Ayatollah Zadeh Shirazi, Tehran Cultural Herit-age Organization, Pp: 567-601, (In Persian).
- Kambakhsh Fard, S., 1989, "Darreh Shahr" in the book *Cities of Iran*, vol. 3, Mohammad Yousef Kiani (ed.), Teh-ran, Jahad-i Daneshgahi. Pp: 107-150, (In Persian).

- Khosravi, L., 1399, “Newly-found Stucco Remains from the Sasanian Noble Residence at Gowriyeh and Jahāngir near the Kangir River of Eyvan, Ilam Province”. *Pazhohesh-Ha-Ye Bastanshenasi Iran*, No. 10, (24), Pp: 141-167, (In Persian).
- Khosravi, L. & Ghorbani, E., 2018, “Geological, hydrological, geomorphological, seismotectonic and mor-photectonic study of Jahangir ancient zone along the Kangir River, Eyvan County, Ilam province”. *Iran Quarterly*, No. 3(1), Pp: 75-93, (In Persian).
- Kleiss, W., 1975, *Archaeological reports in Iran*. S. Habibi (trns.). Tehran: Bongah Tarjomeh va Nashr-I Ketab, (In Persian).
- Krüger, B., (ed.), 1983, *Die Germanen. Geschichte und Kultur der germanischen Stämme in Mitteleuropa*. Veröffentlichungen des Zentralinstituts für Alte Geschichte und Archäologie der Akademie der Wissenschaften der DDR 4. 2 Vols., Berlin.
- Lakpour, S., 2010, *Archaeological Excavations and Surveys in Darreh Shahr (Seymarreh)*. Tehran: Pazineh Publication, (In Persian).
- Mahdavi Nejad, M. J., 2012, “The quality of skylights in Iranian domes with an approach to the structural problems of the dome”. *Naghsh Jahan Journal*, No. 2(2), Pp: 31-42, (In Persian).
- Masoudi, A. H., 1965, *Al-Tanbiyyah wa al-Ashraf*. Leiden, (In Persian).
- Mazaheri, Kh., 2010, “Ancient Texts and the Māsbaẓān State in the Early Islamic Centuries”. *Proceedings of the First Congress in Honor of Imamzadeh Ali Saleh (AS)*, Ilam: Ilam Azad University Press, (In Persian).
- Mobini, M., Shahkarmi, T. & Sharifinia, A., 1397, “Comparative study of the bed decorations of Seymareh Mosque with the nine domes of Balkh and Samarra mosques from the Abbasid period”. *Honar-Ha-Ye Tajassomi Journal*, 23(1), pp.61-72 (In Persian).
- Mohammadi, M.; Neystani, J. & Mosavi Kohpar, S. M., 2011, “Study of typology, elements and components of Iranian architecture in the Sassa-nid period”. *Pazhohesh-Ha-Ye Bastanshenasi Iran (Nāme-ye Bāstanshenāsi)*, No. 1(1), Pp: 83-104, (In Persian).
- Mohammadpour, H., 2014, *Cold Climate (Adjustment of Environmental Conditions)*. Power-Point, Shiraz Bahonar Faculty of Engineering.
- Moradi, E., 2007, “Report on the study and identification of the Reservoir area of Kangir Dam”. Tehran: Archaeo-logical Research Institute Documentation Center, (In Persian).
- Motarjem, A., 1394, “Excavation at Lelar”. In: *The book of archaeological research of Seymareh Dam catchment basin*, by: Lily Niakan, Pp: 200-210, (In Persian).

- Niakan, L., 2019, "Rouha, Sassanian Building in the Seymareh Coast". *Pazhohesh-Ha-Ye Bastanshenasi Iran*, No. 9(20), Pp: 129-148, (In Persian).
- Pigulveskaya, N., 1998, *Iranian Cities in the Parthian and Sassanid Era*. Translated by: Enayatollah Reza, Tehran: Elmi-Farhangi, (In Persian).
- Pirani, B., 2001, "Investigation and identification report of Ivān County in Ilam province, Ilam". Cultural heritage documentation center of Ilam province, (In Persian).
- Pirnia, M. K., 1991, "Dome in Iranian Architecture". *Athar Journal*, No. 12(20), Pp: 5-139, (In Persian).
- Pope, A. U. & Ackerman, P., 2008, *A Survey of Persian Art: from prehistoric times to the pre-sent*. VI. 2. N. Daryabandari (trns.). Tehran: The Scientific-Cultural Publication, (In Persian).
- Pouraminian, M.; Sadeghi, A. & Pournakhshian, S., 2012, "An Investigation on the Seismic Stability of Persian Brick Arches". *Journal of Civil Engineering and Environment*, No. 42(66), Pp: 49-55, (In Persian).
- Rawlinson, H., 1983, *Rawlinson's travelogue crossing Zohab to Khuzestan*. Eskander Amanollahi Baharvand (trns.), Tehran: Agah (In Persian).
- Reuther, O., 1977, *History of Sasanian Architecture' in A Survey of Persian Art*. Edited by: Arthur Upham (In Persian).
- Saffari, A. & Mansouri, R., 2013, "Relative evaluation of the tectonic activities in the upper part of the Kangir river catchment area (Eyvan-e Gharb) using geomorphic indicators". *Quarterly Journal of Geography and Urban-regional Spatial Planning*, No. 3(7), Pp: 35-50, (In Persian)..
- Sharifi, M., 2019, "New discoveries Architecture from the Late Sassanid and Early Islamic pe-riod in the Seymareh River Basin(Central Zagros)". *Jornal of Studies on Iranian Islamic City*, No. 9(36). Pp: 59-68, (In Persian).
- Sharifinia, A.; Heidari Babakmal, Y. & Shakermi, T., 1398, "Study of mythical and sacred plant motifs in the bed decorations of Seymareh Mosque". *Islamic Industrial Arts Quarterly*, No. 3(2), Pp: 121-134, (In Persian).
- Stark, F., 1979, *The Valleys of the Assassins: And Other Persian Travels*. Translated by: Ali Mohammad Saki, 2nd Edition, Tehran: Scientific/Cultural Publications, (In Persian).
- Tahmasebi, E., 2013, "Comparative analysis of Sasanian Palaces and Royal residences". *Pazho-hesh-ha-ye Bastanshenasi Iran*, No. 4(3), Pp: 153-168, (In Persian).

- Tavassoli, H., 2008, *Iranian Art and Civilization in the Parthian Era*. Tehran, Rama Publishing (In Persian).
- VandenBerghe, L, 1980, “Des tombes de l’âge du Fer au Luristan. La nécropole de Djub-i Gauhar en Iran”. *Archéologia*, No. 138, Pp: 32-47.
- VandenBerghe, L., 1971(a). (e) 6th Campaign, 1970, “excavations at Bard-e Bal. surveys in the district of Ayvān at Darvand. Kazāb. Seh Pā. Imamzadeh Gilan Gharbi (Emāmzāda-ye Gilān-e Ġarbi): “La nécropole de Bard-i Bal au Luristan”. *Archéologia*, No. 43, Pp: 14-23.
- VandenBerghe, L, 1971(b), ”Recherches archéologiques dans le Pushti Kuh/Kavišhā-ye bāstānšenāsi dar Pošt-e Kuh-e Loreštān”. *Bāstān Chenassi va Honar-e Iran/Revue d’archéologie et d’arts*, Iraniens: Tehran, No. 6, Pp: 14-43, (In Persian).
- VandenBerghe, L., 1973, ”Recherches archéologiques dans le Luristan, sixième campagne 1970. Fouilles à Bard-i Bal et à Pa-yi Kal. Prospections dans le district d’Aivan (Rapport préliminaire)”. *Iranica Antiqua*, No. 10, Pp: 1-79.
- Yari, M. & Rafiei, M., 2015, “Using the photogrammetric drone system in Iranian archeology”. *Quarterly Journal of Archaeological Science*, (Varamin Azad University), 1(1), pp.1-14, (In Persian).
- Yousefi, M. & Shaker, H., 2014, “Investigation of common Elements of Iranian Architecture in Fire Temples and Mosques”. *Proceedings of the ninth Symposium on Scientific and Technological developments*, Pp: 1-8, Mashhad: Khavaran Institute of Higher Education Publication, (In Persian).